

# هو الأبهى - يا من فدى روحه و فؤاده و ذاته و كينوته...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



۱۳۳

هو الأبهى

يا من فدى روحه و فؤاده و ذاته و كينوته و ما له و عليه فى سبيل جمال اشرفت بنوره ملكوت من فى السموات و الارضين افاض الله عليك سخائب رحمانيته و نور وجهك بفيضات شمس بهائه و احى قلبك بنفحات قدسه و انعش روحك ببشارات تأييده و نور سرّك بضياء توفيقه و جعلك آية رحمة و راية كلمته بين العالمين\*\*.\*

تمنّاي عروج و آرزوى صعود فرموده بوديد اگر چه اين مراتب دليل بر انقطاع و برهان توجه خالص الى الله است ولكن حضرت اعلى روح الوجود له الفداء در توقيعى كه به ميرزا عبدالكريم مرقوم فرموده اند ميفرمايند ان الذين استشهدوا فى سبيل الله ذلك من فضل الله يؤتية من يشاء و الله ذو فضل عظيم و انك انت يا احمد لا تظمن بذلك لانك اسم الاول فى كتاب عظيم لو جعل الارض و من عليها فى ظلك انك اذا قد وفيت بعهدى و الا ذلك لا ينبغى لله ربك رب العالمين\*\*.\*

بارى بايد آن جناب اليوم با كمال استقامت و رسوخ بر اعلاء كله الهية قيام نمائيد زمان عروج و صعود نه و وقت فرار و پناه بردن به جوار رحمت جمال مختار نيست وقت حمل شدائد و بلايا و مشقات و رزايا است جناب نبيل اعظم خود را از غرقاب آلام و محن به درياى اعظم انداخت و به ساحل سرور و حبور و جوار ربّ غفور شتافت لكن اين مظلوم مهجور مبتلاى هجران و حرمان در هر ساعتى در هزار گرداب بلا و لجه ابتلا



ORIGINAL



AUDIO

غرق و مبتلا ولكن جز صبر و تحمل چه چاره توان نمود انما اشکوبتی و حزنی الی الله و اسکت عجزاً عن امور  
کثیرة بنطقی لن تحصی ولو قلت قلت. با وجود این از تأیید ملکوت ابهی امیدواریم که به قوه الهیه این بلایا را  
که چون طوفان اعظم است مقاومت نمائیم و سینه شرحه شرحه هدف سهام از جمیع جهات کنیم لعمرك لو  
مرّت نفة من بلائی علی مشام احباء الله لشقوا القلوب قبل الجيوب و لطموا الوجوه و خرجوا الحدود و  
صاحوا و ناحوا و حنوا و اتوا و ضجوا و صرخوا فی مصیبتی و بلائی و حزنی و آلامی و تفجعی و توجعی و  
اضطرابی ولكننی اشکره و احمده فی هذا الكرب العظيم و البلاء العظیم و لی فی جماله المبين اسوة حسنة بین  
العالمین. رب اجعلنی صابراً فی بلائک راضياً بقضائک مطمئناً ساکناً فی تلاطم امواج بحر افتتانک ثابتاً راسخاً عند  
اشتداد زوابع امتحانک ای رب افرغ علی صبراً و انت خیر الراحمین\*\*.\*

اليوم باید جمیع شئون را فراموش نمود مگر یک شأن و آن اعلاء کلمة الله و اطاعت و نصرت امر الله است اگر  
وفای به عهد الله و میثاقه خواهیم این است زمان فنا و وقت فدا خواهد رسید باید در این غیبت و مصیبت  
جانفشانی نمود و به ثنای حق بین خلق برخاست و نار الله الموقده در قلب امکان زد و به نفعه صور الهی و نفعه  
گلزار زهور رحمانی آفاق را زنده و تر و تازه نمود پس آهنگ ملاً اعلی کرد و در ملکوت ابهی با وجهی منور و  
روحي مطهر وارد شد و الا محزون و مهموم و کسل و مغموم از این عالم به عالم دیگر شتافتن چندان لطفی ندارد  
نسئل جماله الابهی ان یوفقک علی امر یتف بذکره الملاً الاعلی...

